

فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران / سال نهم / شماره ۳۲ / پاییز ۱۳۸۶ / صفحات ۵۵-۸۳

بررسی پویایی فقر در ایران با استفاده از داده‌های مرکب خانوارهای روستایی و شهری

دکتر منصور زیبایی *

آشان شوشریان **

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۹/۲۷

تاریخ ارسال: ۱۳۸۵/۵/۷

چکیده

از آنجا که مسأله فقر و برنامه‌های فقرزدایی مورد توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان قرار گرفته است، شناسایی دقیق این پدیده در موفقیت این برنامه‌ها و حل این مسأله مهم ضرورتی انکارناپذیر خواهد بود. به رغم تمام تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران در راستای حذف فقر از جامعه، اولین برنامه تدوین‌شده مبارزه با فقر در جمهوری اسلامی ایران در عمل از سال ۱۳۸۰ با هدف به حداقل رساندن فقر در ایران به اجرا درآمده است. در این پژوهش، مسأله پویایی فقر را با استفاده از داده‌های مرکب خانوارهای شهری و روستایی کشور برای سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ بررسی می‌کنیم. بدین منظور، خط فقر در بخش روستایی و شهری محاسبه کرده و با استفاده از آن خانوارهای فقیر و غیر فقیر در نمونه‌های مورد مطالعه مشخص کرده‌ایم. سپس، با استفاده از برآورد لاجیت و مدل spell نقش هر یک از عوامل تعیین‌کننده فقر بر نرخ مخاطره خروج از فقر و ورود مجدد به فقر خانوارها را مطالعه کرده‌ایم. در برآورد خط فقر غذایی از روش تأمین انرژی غذایی (FEI) بهره گرفته و با استفاده از رگرسیون‌های غیرپارامتریک خطوط فقر غذایی و غیرغذایی را به دست آورده‌ایم. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فقر در بخش روستایی ابعاد بزرگتری داشته هر چند که انتقال میان وضعیت‌های فقر در جوامع روستایی بیشتر دیده می‌شود. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که جوامع شهری بیشتر با پدیده فقر مزمن روبرو هستند.

* استادیار بخش اقتصاد کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.

E-mail: Zibaei@Shirazu.ac.ir

** دانشجوی دکتری بخش اقتصاد کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.

طبقه بندی JEL: R19, I38, R20, I32

واژگان کلیدی: پویایی فقر، فقر مزمن، خط فقر، نرخ ورود مجدد به فقر، نرخ خروج از فقر، داده‌های مرکب خانوار، ایران.

مقدمه

به تازگی کاهش فقر به یکی از مباحث مهم در متون توسعه تبدیل شده است. تعدادی از پژوهشگران اقتصاد توسعه نظیر امونو و همکاران (۱۹۹۵)، بر این عقیده هستند که مبارزه با فقر شرط لازم برای رشد است. با این حال، برنامه‌های مبارزه با فقر همان اندازه که به کارآیی سیاست‌گذاری و نحوه اجرای برنامه نیاز دارد، به شناخت ابعاد مختلف پدیده فقر، دلایل و پیامدهایش نیز نیاز دارد. بدین ترتیب، بررسی و آگاهی از وضعیت فقر در یک جامعه اولین قدم در مسیر برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است (خالدی و پرمه، ۱۳۸۴؛ عرب مازار و حسینی نژاد، ۱۳۸۳).

پدیده فقر یک پدیده مقطعی نبوده، بلکه همزمانی فقر و غنا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف نتیجه تدریجی عملکرد نظام‌های حاکم در طول تاریخ بوده است. بنابراین، نابودی آن هم به یکباره و در مدت زمان محدود میسر نخواهد بود. از سوی دیگر، پیچیدگی‌های فقر، ابعاد آن، علل پیدایش و عوارض آن، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران را ملزم به طراحی برنامه‌های مناسبی می‌کند که از بابت اجرا نیز تضمین‌های لازم را داشته باشند. وجوه بنیادی توجه به فقرا و حمایت از آنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یافت می‌شود (اصل دوم، سوم، بیست و یکم و بیست و نهم). اما قاطع‌ترین نشانه توجه به فقرا در قانون اساسی در اصل چهل و سوم دیده می‌شود که به ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت از جامعه توجه خاص دارد. با این حال و با وجود تمام علاقمندی‌های جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب به حذف فقر از چهره جامعه اسلامی، برنامه جامعی در راستای فقرزدایی تدوین نشده است. جنگ و مسایل حاشیه‌ای آن نیز به مسأله مضاعفی بدل شد تا وضعیت فقر در جامعه تغییر کند. اما پس از آن در تمام برنامه‌های توسعه به نحوی برنامه‌هایی در جهت افزایش رفاه عمومی و کاهش فقر تدوین شد. با این حال، مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که سیاست‌های کاهش فقر به صورت یک برنامه استراتژیک و پایدار در طول برنامه‌های توسعه‌ای به کار گرفته نشده است (شمس‌الدین و همکاران، ۱۳۸۳).

برنامه مبارزه با فقر در برنامه سوم توسعه بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ به اجرا درآمد و ادامه آن به برنامه چهارم توسعه موکول گردید؛ به نحوی که انتظار می‌رود در سال ۱۳۸۸ (سال پایان برنامه چهارم)، فقر مطلق در کشور وجود نداشته باشد. به رغم تمام این تلاش‌ها، شواهد نشان‌دهنده این است که فقر در سال‌های اخیر کاهش معناداری نداشته است. بدین روی، به نظر می‌رسد می‌توان با دقت بیشتری برنامه‌های فقرزدایی دولت را بررسی کرد. در این پژوهش با استفاده از داده‌های مرکب برای خانوارهای شهری و روستایی در طول سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ یعنی سال‌های اولیه اجرای برنامه

مبارزه با فقر دولت، وضعیت انتقال خانوارها را در میان گروه‌های مختلف فقر بررسی کرده و اثر سیاست‌های اجرایی بر روی فقر را تا حدی ارزیابی کرده‌ایم.

۱. مروری بر ادبیات موضوع

به طور کلی، مدل‌سازی اثر سیاست‌های مختلف کلان اقتصادی روی کاهش فقر مشکل است. بیشتر پژوهش‌ها برای بررسی اثر سیاست‌های مختلف بر رشد و کاهش فقر، بر شبیه‌سازی اقتصادسنجی تکیه می‌کنند. بنابراین، بررسی اثر سیاست‌های کلان اقتصادی بر اساس مطالعات *ex ante* (نظیر مطالعه فریرا و لیت، ۲۰۰۳) است. برقراری ارتباط میان سیاست‌های کلان اقتصادی و کاهش فقر در مطالعات *ex post* مشکل‌تر است. به طور کلی، در متون مربوطه در این خصوص که برای کاهش فقر، رشد اقتصادی لازم است اما کافی نیست، اجماع کلی وجود دارد (راوالیون و دات، ۲۰۰۲ و هکمن و همکاران، ۲۰۰۱). عده‌ای هم بر این باورند که رشد درآمد فقرا به شدت با رشد کل اقتصاد همبسته است (هکمن و همکاران، ۲۰۰۱). اما همان‌طور که بانک جهانی (۲۰۰۱) هم در این رابطه مطالعه کرده است، الگوهای رشد، تغییر در توزیع درآمد و در نتیجه نرخ‌های فقر و توزیع آن و همچنین، پویایی فقر، پیامد پیچیده‌ای است که علاوه بر خود سیاست کلان اقتصادی، به نحوه اجرای سیاست، نهادهای درگیر، تاریخچه و موقعیت جغرافیایی وابسته است.

در برخی از پژوهش‌های اقتصادی با استفاده از داده‌های مرکب بر رابطه میان رشد و پویایی فقر پرداخته‌اند. در این میان، گاهی مطالعه‌ای مشاهده می‌شود نظیر مطالعه راولیون و دت (۲۰۰۲) که تعیین‌کننده‌های سیاست‌های کلان اقتصادی را مدنظر قرار نداده است. اما مواردی هم وجود دارد که تعیین‌کننده‌های فقر را مورد ملاحظه قرار داده‌اند. به طور مثال، بیگستون و همکاران (۲۰۰۳) با به‌کارگیری داده‌های مرکب پی‌بردند که مالکیت زمین، تحصیلات، نوع محصول زراعی کشت‌شده، وابستگی و محل مورد مطالعه از تعیین‌کننده‌های اصلی فقر در اتیوپی است. همچنین، چیروا (۲۰۰۴) در مالاوی در مطالعه دسترسی به زمین و رابطه آن با کاهش فقر دریافت که مالکیت زمین احتمال فقیر بودن را کاهش و احتمال خروج از فقر را افزایش می‌دهد.

با این همه، برای بررسی اهداف سیاستی و درک صحیح برنامه‌های مرتبط با فقر، قبل از هر چیز باید میان "فقر مزمین" و "فقر گذرا" تفاوت قایل شویم. فقر مزمین که به کمتر از خط فقر بودن درآمد خانوار برای چند دوره متوالی اشاره دارد و در برابر فقر گذرا و موقت استفاده می‌شود، تعاریف متفاوتی در ادبیات موضوع دارد که یک نکته در همه آنها مشترک است و آن اینکه این پدیده بر دائمی بودن فقر خانوار دلالت دارد. هولم و شفر (۲۰۰۳) معتقدند که فقر مزمین وقتی رخ می‌دهد که خانوار حداقل

برای ۵ سال در فقر به سر برد. این در حالی است که مک کی و لاوسون (۲۰۰۳) بر این باورند که فقر مزمن افزایش دوره ماندگاری در فقر برای خانوار است و می‌تواند طبیعتی چند جانبه داشته باشد؛ اما آنها طول مشخصی را برای فقر مزمن ارائه نمی‌دهند. فقر مزمن اساساً در قالب دو رهیافت بررسی می‌شود. رهیافت قرارگرفتن (spell) که بر ورود و خروج‌ها به و از فقر اشاره دارد و رهیافت اجزا که سعی بر جداسازی اجزای دائمی از موقت فقر دارد (هولم و شفر، ۲۰۰۳). در رهیافت اجزا سطح متوسط مصرف در طول دوره بررسی شده به عنوان شاخصی از فقر مزمن در نظر گرفته می‌شود و ساختارهای اجتماعی برای درک پدیده حرکت در حالات مختلف فقر لازم است. حال آنکه رهیافت قرارگرفتن ابزار دقیق‌تری را برای بررسی چگونگی انتقالات در وضعیت فقر خانوارها به دست می‌دهد و عوامل مؤثر بر این تغییر وضعیت در فقر خانوارها را به روشنی نشان می‌دهد. برخی از مطالعات مانند مطالعه استیون (۱۹۹۵)، آنتولین و همکاران (۱۹۹۹)، برگس و پراپر (۱۹۹۸) از این رهیافت در بررسی و مطالعه پویایی فقر بهره برده‌اند. در مقابل، مطالعاتی نیز مشاهده می‌شود که چون مطالعه چیروا (۲۰۰۵) از رهیافت اجزا بدین منظور استفاده کرده‌اند.

تعدادی از مطالعات کاربردی به بررسی پویایی فقر در ادبیات موضوع پرداخته‌اند. در این میان، بین و الوود (۱۹۸۶) رهیافت‌های اولیه را در مورد پویایی فقر مرور کرده و آنها را به روش‌های آماری و روش‌های استمرار در قرارگرفتن در فقر تقسیم کرده‌اند. به تازگی هم مک کی و لاوسون (۲۰۰۳) شواهدی را در رابطه با فقر مزمن و گذرا مطالعه کرده و نتیجه گرفته‌اند که اهمیت فقر گذرا نسبت به فقر مزمن بیشتر است. به نظر می‌رسد چنین نتیجه‌گیری را نتوان با این صراحت بیان کرد؛ زیرا، اولاً شرایطی که تحت آن خانوارها تقسیم‌بندی می‌شوند متفاوت است، همچنین، معیارهایی که فقر مزمن را از گذرا تفکیک می‌کنند، ممکن است صحیح نباشد. یعقوب (۲۰۰۳) شواهدی از ۲۳ کشور ارائه کرده و عوامل مؤثر بر گریز از فقر و خارج شدن از گروه فقرا را تشریح کرده است. او نشان داده است که افزایش زمین تحت مالکیت خانوار و سطح بالاتر تحصیلات با خروج از فقر و افزایش بعد خانوار و تعداد افراد وابسته در یک خانوار با ورود به گروه فقرا ارتباط دارد.

در ایران، مطالعات بسیاری در رابطه با فقر انجام شده است و در این راستا، پژوهشگران متعددی سعی بر برآورد خط فقر داشته‌اند. شاید اولین مطالعه انجام شده در زمینه محاسبه خط فقر در ایران توسط عظیمی در سال ۱۳۵۱ انجام شده باشد. از افراد دیگری که در این مورد می‌توان نام برد، خداداد کاشی و حیدری (۱۳۸۱)، خالدی (۱۳۷۹)، صمدی (۱۳۷۸)، دینی ترکمانی (۱۳۷۵) و حکمتی (۱۳۷۹) و جز اینهاست. اما در این خصوص جمشید پژیوان از جمله افرادی است که بارها و با استفاده از روش‌های مختلف و دقیق اقتصادی اقدام به برآورد خط فقر کرده است. وی در یکی از پژوهش‌های

خود (۱۳۷۵)، خط فقر غذایی و غیر غذایی را به منظور برآورد خط فقر مطلق محاسبه کرده است و در مطالعه دیگری (۱۹۹۴) با استفاده از روش نیاز کالری اقدام به محاسبه خط فقر غذایی کرده است. در این پژوهش، پس از محاسبه خط فقر و تقسیم بندی خانوارها در گروه‌های فقیر و غیر فقیر در سال‌های مورد مطالعه، در بررسی پویایی فقر در ایران از رهیافت فرارگرفتن در فقر استفاده کرده و فرآیند انتقال و حرکت خانوارها به و از فقر در دوره زمانی معین را بررسی کرده‌ایم.

۲. روش تحقیق

نمونه مطالعه شده در این پژوهش، داده‌های خام طرح آمارگیری از ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی خانوار است که توسط مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ جمع آوری شده است. خانوارهایی که در سال ۱۳۸۰ با آنها مصاحبه شده است، ۶۹۶۰ خانوار شهری و روستایی بوده که در قالب ۲۳۲ خوشه (۹۳ خوشه روستایی و ۱۳۹ خوشه شهری) با متوسط ۳۰ خانوار در هر خوشه طبقه‌بندی شده است. اما در سال‌های بعد تعدادی از خانوارهای مورد نظر به دلیل جابجایی ریزش داشته‌اند. به گونه‌ای که نمونه بررسی شده در این مطالعه شامل ۵۴۸۵ خانوار (۲۵۴۵ خانوار روستایی و ۲۹۴۰ خانوار شهری) کشور است. تحلیل‌های این بررسی، در دو بخش روستایی و شهری انجام شده است. در مرحله اول این پژوهش، روش استخراج خط فقر در این پژوهش بیان شده است. روش‌های برآورد خط فقر مطلق که نیازهای اساسی و اولیه زندگی را فراهم کند در متون اقتصاد رفاه، توسعه یافته است. برآورد هزینه لازم برای نیازهای اساسی به طور کلی در دو مرحله انجام می‌شود. در اولین قدم، حداقل مخارج غذایی لازم برای یک زندگی در وضعیت سلامت که به خط فقر غذایی (Z_1) معروف است، برآورد می‌شود. سپس، برآوردی از حداقل مخارج غیرخوراکی لازم برای تعیین خط فقر غیر غذایی (Z_{nf}) به دست آمده، با خط فقر غذایی جمع می‌شود تا خط فقر کل (Z_1) به دست آید. روش استفاده شده در این پژوهش برای تعیین خط فقر غذایی، یکی از روش‌های مرسوم در ادبیات موضوع فقر، روش تأمین انرژی غذایی (FEI)^۱ است که در پژوهش‌های بسیاری استفاده شده است (گریپر و توریک، ۱۹۸۶؛ اوکورات و همکاران، ۲۰۰۲؛ آناند و هریس، ۱۹۹۴؛ اسرا و فرانسیسکو، ۲۰۰۱؛ احمد، ۲۰۰۴ و جز اینها). در این روش، ابتدا کالری استفاده‌شده توسط خانوار براساس انواع غذاهای مصرفی آنها به دست می‌آید. سپس، در مقابل مخارج انجام‌شده توسط خانوار بر روی غذاهای مورد

1. Food Energy Intake (FEI)

استفاده رسم می‌شود. در نهایت، مخارجی که لازم است تا حداقل کالری مورد نیاز روزانه جذب شود، توسط پژوهشگر محاسبه می‌شود (داکلاس و ارار، ۲۰۰۵).

در این پژوهش، به طور مشخص مراحل زیر را برای استخراج خط فقر غذایی و به روش FEI انجام داده‌ایم. ابتدا هزینه غذای استفاده شده توسط خانوار Z_j (V_j)، از طریق حاصل ضرب مقدار استفاده شده از غذای i ام توسط خانوار Z_j (D_{ij}) در ارزش ریالی آن (P_{ij}) به دست آمده است.

$$V_j = \sum_i D_{ij} P_{ij} \quad (1)$$

همچنین، معادل فرد بالغ برای هر خانوار (H_j) به عنوان جایگزینی برای بعد خانوار محاسبه کرده‌ایم. بدین منظور از معادل‌های پیشنهاد شده توسط دکرون و کریشنان (۱۹۹۸) برای اختصاص معادلی متناسب جنس و سن اعضای خانوار استفاده کرده‌ایم. معادل افراد بالغ استفاده شده در جدول ۱ آورده شده است. سپس، از طریق تقسیم ارزش غذای مصرف شده توسط خانوار Z_j بر معادل افراد بالغ همان خانوار، غذای مصرف شده توسط هر فرد بالغ (X_j) در خانوار Z_j را به دست آورده‌ایم:

$$X_i = \frac{V_j}{H_j} \quad (2)$$

جدول ۱- معادل افراد بالغ

زن	مرد	گروه سنی
۰/۳۳	۰/۳۳	۱-۰
۰/۴۶	۰/۴۶	۲-۱
۰/۵۴	۰/۵۴	۳-۲
۰/۶۲	۰/۶۲	۵-۳
۰/۷۰	۰/۷۴	۷-۵
۰/۷۲	۰/۸۴	۱۰-۷
۰/۷۸	۰/۸۸	۱۲-۱۰
۰/۸۴	۰/۹۶	۱۴-۱۲
۰/۸۶	۱/۰۶	۱۶-۱۴
۰/۸۶	۱/۱۴	۱۸-۱۶
۰/۸۰	۱/۰۴	۳۰-۱۸
۰/۸۲	۱/۰۰	۶۰-۱۰
۰/۷۴	۰/۸۴	بالای ۶۰ سال

مأخذ: مطالعه دکرون و کریشنان (۱۹۹۸)

در مرحله بعد، با استفاده از جداول ارزش تغذیه‌ای، برای کالری استفاده‌شده برای انواع مختلف غذاهای استفاده‌شده توسط هر فرد بالغ خانوار محاسبه کرده‌ایم. بدین منظور، تمام غذاهای استفاده‌شده توسط خانوارها را به گروه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرده، سپس، با استفاده از کالری‌های گزارش‌شده در متون تغذیه، ارزش غذایی برای هر فرد بالغ را براساس کالری محاسبه کرده‌ایم.

در محاسبه مخارج انجام شده در سطح کالری دریافت‌شده، می‌توان از رگرسیون‌های پارامتریک با فرم لگاریتمی خطی و یا درجه دوم استفاده کرد (نظیر مطالعه اوکورات و همکاران، ۲۰۰۲). این نوع رگرسیون فرض می‌کند که شکل تابعی میان مخارج و کالری دریافت‌شده، معلوم است. این در حالی است که این فرض همیشه صحیح نمی‌باشد. در این موارد خط فقر برآوردشده می‌تواند نسبت به مقدار واقعی آن، اریب باشد. روش انعطاف پذیرتری که می‌تواند در برآورد رابطه میان کالری دریافت‌شده از غذاهای مصرفی خانوار و مخارج مربوط به آنها کاربرد داشته باشد، استفاده از رگرسیون غیرپارامتریک است. به ویژه در مورد برآورد خط فقر، به آزمون فرض در رابطه با پارامترهای تخمینی نیازی نبوده و تنها میزان مورد انتظار متغیر وابسته که مخارج انجام شده است، گویای خط فقر غذایی است. امکان برآورد خط فقر غذایی به روش غیرپارامتریک در بسته نرم افزاری DAD 4.4 فراهم شده است.

مرحله بعد، برآورد جز، غیرغذایی خط فقر است. روش معمول برای برآورد خط فقر غیرغذایی به دست آوردن نسبت مخارج غذایی به کل مخارج خانوارها و تعمیم این نسبت به خط فقر غذایی و خط فقر کل است. هر چه سهم مخارج خوراکی از کل مخارج بالاتر باشد، خط فقر غذایی به خط فقر کل نزدیکتر است. در پژوهش‌های کاربردی، روش‌های متفاوتی در این زمینه به کار رفته است:

روش اول: سهم متوسط غذا برای افرادی که کل مخارجشان برابر خط فقر است،

روش دوم: سهم متوسط غذا برای افرادی که کل مخارج غذایی‌شان برابر خط فقر است،

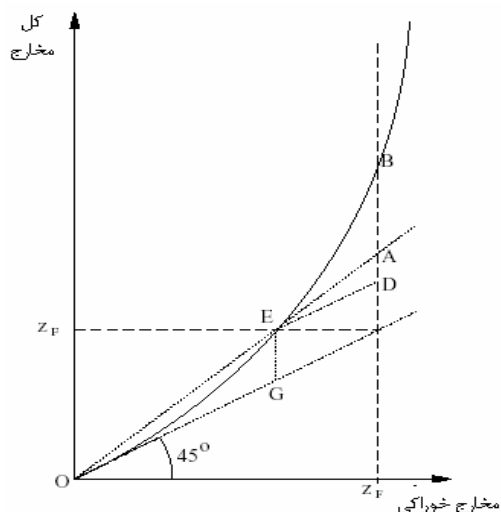
روش سوم: اضافه کردن خط فقر به مخارج غیرخوراکی برای افرادی که کل مخارجشان برابر خط فقر است.

برای تجزیه و تحلیل این روش‌ها باید ابتدا کل مخارج بر مخارج غذایی به طور غیرپارامتریک رگرس شود تا مقادیر پیش‌بینی کل مخارج در سطوح مختلف مخارج غذایی به دست آمده و بتوان تحلیل‌های فقر را ادامه داد. در نمودار ۲، بر روی محور افقی، مخارج غذایی و بر روی محور عمودی، کل مخارج قرار دارد. افزون بر این، خط فقر غذایی روی هر دو محور را در سطح Z_F نشان داده‌ایم. این دو سطح روی خط ۴۵ درجه همدیگر را قطع می‌کنند.

در روش سوم- که معمول‌ترین روش بوده و در این مطالعه نیز استفاده شده است- مخارج غیرغذایی افرادی مدنظر قرار می‌گیرد که کل مخارجشان برابر خط فقر غذایی است. بنابراین،

افرادی که روی نقطه E قرار دارند در این روش مطرح هستند. در این نقطه در نقطه E کل مخارج با خط فقر غذایی برابر است. EG برابر مخارج غیر غذایی‌شان است که با اضافه کردن این مقدار (EG) به خط فقر غذایی، خط فقر کلی به دست می‌آید که در محاسبه معیارهای فقر استفاده خواهد شد.

نمودار ۲- خط فقر و مخارج غذایی



اگر درآمد خانوار بررسی شده در سال t به مقداری کمتر از خط فقر نظیر \bar{Y} برسد، این خانوار در زمان t فقیر شناخته می‌شود. حال ممکن است درآمد خانوار مورد نظر در زمان $t+1$ به سطحی بالاتر از \bar{Y} برسد. بنابراین، دیگر در گروه فقرا قرار نگیرد. همچنین، این فرآیند می‌تواند کاملاً برعکس باشد. از سوی دیگر، می‌توان مواردی را یافت که همواره در گروه فقرا هستند و در مقابل، خانوارهایی نیز وجود دارد که هیچ‌گاه درآمدشان به کمتر از خط فقر نمی‌رسد. انتقال درآمد خانوار و تغییر در وضعیت فقر خانوار به طور معمول در قالب یک مدل ترکیبی مدلسازی می‌شود که وزن‌ها در این مدل احتمالات تغییر در وضعیت فقر خانوار است (برگس و پراپر، ۱۹۹۸). با دانستن یک خط فقر نظیر \bar{Y} می‌توان احتمال انتقال فقر بین زمان‌های t و $t+\tau$ ($\tau > 1$) را به دست آورد. در ادبیات موضوع این فرض وجود دارد که انتقال در وضعیت فقر خانوارها از ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی و رفتار خانوارها تأثیر می‌پذیرد.

رایج‌ترین روش در مطالعه قرارگرفتن در فقر، محاسبه احتمالات ورود به فقر در شرایط مشخص و ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی خانوارها است (استیونز، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶). احتمالات ورود به فقر و خروج از فقر می‌تواند به عنوان یک متغیر تصادفی دارای توزیع احتمال معلوم در نظر گرفته شود. به بیان دیگر، می‌توان متغیری نظیر X را به عنوان یک متغیر تصادفی نشان‌دهنده طول دوره قرارگرفتن در فقر در نظر گرفت. اگر تابع توزیع متغیر X به صورت $F(x) = \text{prob}(x < X)$ برای تمام مقادیر مثبت متغیر بوده و تابع چگالی این متغیر به صورت $f(x) = dF/dx$ باشد، احتمال شرطی یا نرخ مخاطره مربوطه برابر خواهد بود با:

$$\theta(x) = \text{pr}(x \leq X / X \geq x) = \frac{f(x)}{1 - F(x)} \quad (۳)$$

اگر θ ، ساختار لاجیستیک داشته باشد، می‌توان نوشت:

$$\theta(x) = \frac{\exp(x)}{1 + \exp(x)} \quad (۴)$$

طول دوره قرارگرفتن در فقر به عوامل مختلفی بستگی دارد. لذا، می‌توان آن را تابعی از مجموعه متغیرهای Z دانست که در زمان‌های مختلف و در میان خانوارهای مختلف متفاوت است. این عوامل ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی خانوارها را شامل می‌شود، بنابراین، می‌توان نوشت:

$$x_{idt} = \alpha_{id} + \beta_{it} Z_{it} \quad (۵)$$

که در این رابطه، اندیس‌های i و t به ترتیب نشان‌دهنده خانوارها، زمان و طول مدت زمانی است که خانوار در وضعیت فقر قرار دارد. بدین ترتیب، احتمال خروج از فقر تابعی از اثر مدت زمان (α_{id}) و متغیرهای دیگر (Z) است. بنابراین، احتمال خروج از فقر در سال x برای خانوار i که به مدت d سال در فقر بوده است، به صورت تابع مخاطره زیر مشخص می‌شود:

$$\theta_{idt} = \frac{\exp(\alpha_{id} + \beta_{it} Z_{it})}{1 + \exp(\alpha_{id} + \beta_{it} Z_{it})} \quad (۶)$$

مدل لاجیت یادشده با استفاده از روش حداکثر درستنمایی با استفاده از نرم افزار Limdep قابل برآورد است. در این مدل، متغیر وابسته وضعیت فقر خانوار i ام در زمان t ام است. در صورتی که درآمد خانوار مورد نظر در زمان بررسی کمتر از خط فقر باشد، متغیر وابسته مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را اتخاذ می‌کند. لازم به ذکر است که در برآورد مدل لاجیت در داده‌های مرکب، از مدل اثر

تصادفی^۱ بهره گرفته‌ایم. زیرا در داده‌های مرکب کوتاه که تعداد واحدهای مطالعه‌شده نسبت به سال‌ها بسیار زیاد بوده و خانوارها ویژگی‌هایی دارند که در طول سه سال تغییر زیادی نمی‌کند (مانند تحصیلات سرپرست، جنس سرپرست و جز اینها)، استفاده از مدل‌های اثر ثابت^۲ نمی‌تواند از بابت مسایل اقتصادسنجی مناسب باشد.

ارتباط بین یک متغیر توضیحی خاص و پیامد احتمالی انتخاب گزینه مورد نظر یا $P(Y_i = 1)$ ، به کمک اثر نهایی^۳ - که به صورت تغییر جزئی در احتمال انتخاب ارزش یک، به ازای تغییر در متغیر توضیحی مورد نظر تعریف می‌شود - تفسیر می‌شود. به بیان دیگر، اثر نهایی همان مشتق تابع برآوردشده نسبت به هر کدام از متغیرهای توضیحی در یک نقطه معین است. اثر نهایی متغیر توضیحی پیوسته X_k بر احتمال رخ دادن گزینه $Y_i = 1$ به شرط ثابت بودن متغیرهای دیگر، از رابطه γ به دست می‌آید:

$$\frac{\partial P_i}{\partial Z_{iK}} = \phi(Z' \beta) \beta_K \quad (7)$$

و $\phi(Z' \beta)$ از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$\phi(Z' \beta) = \frac{1}{\sqrt{2\pi}} \exp\left[-\frac{1}{2}(Z' \beta)^2\right] \quad (8)$$

ϕ نشان دهنده تابع چگالی احتمال یک متغیر تصادفی نرمال استاندارد است. علامت اثر نهایی به علامت β_k بستگی داشته و اندازه آن به وسیله مقادیر Z و β_k تعیین می‌شود. در نتیجه، اندازه اثر نهایی به سطوح تمام متغیرهای موجود در ماتریس متغیرهای توضیحی بستگی دارد. برآوردهای متفاوتی از اثرات نهایی می‌تواند از مقادیر مختلف متغیرهای مستقل به دست آید. بهتر است برآورد اثرات نهایی در مقدار میانگین متغیرهای مستقل محاسبه شود (گرین، ۲۰۰۰). چنانچه ماتریس متغیرهای مستقل شامل متغیر مجازی نیز باشد، می‌توان از روشی استفاده کرد که در آن، اثر نهایی را در مقادیر صفر و یک متغیر مجازی محاسبه کرده، سپس، مقدار این اثر در صفر را از مقدار آن در یک کسر نموده و آن را به عنوان اثر نهایی متغیر توضیحی مورد بررسی در نظر گرفت.

1. Randm Effect Model
2. Fixed Effect Model
3. Marginal Effect

۳. تفسیر نتایج

شاخص استاندارد زندگی بیانگر فرصت‌های موجود خانوار در ایجاد درآمد است. در این پژوهش از مخارج مصرفی خانوار به عنوان شاخص استاندارد زندگی استفاده شده و با استفاده از این شاخص، تعیین‌کننده‌های فقر را بررسی کرده‌ایم. تحلیل فقر در این مطالعه در سطح مناطق شهری و روستایی انجام شده است. خطوط فقر غذایی، غیر غذایی و خط فقر کل را در جدول ۲ آورده‌ایم. خطوط فقر شهری و روستایی برای سال ۱۳۸۲ از روش پیش‌گفته محاسبه شد، سپس، با استفاده از شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی برای مناطق شهری و روستایی برای سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ تعدیل شده است. براساس خطوط فقر محاسبه‌شده، نسبت سرشمار فقر، نسبت افراد دارای درآمد کمتر از خط فقر به کل افراد نمونه، برای سال‌های مطالعه شده در نمونه‌های شهری و روستایی محاسبه شده و در همین جدول آورده شده است.

مخارج مصرفی هر خانوار برای هر سال با خط فقر مربوطه مقایسه شده است. کمتر از خط فقر بودن مخارج مصرفی خانوار بیانگر فقیر بودن خانوار بوده است و بیشتر بودن نشان‌دهنده این است که خانوار در فقر به سر نمی‌برد. این کار برای تمام خانوارها در سه سال انجام شده است. جدول ۳ درصد توزیع خانوارها را در وضعیت فقر نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، درصد کمی از خانوارها همواره فقیرند و فقر در تمام موارد در جوامع روستایی گسترده‌تر و شایع‌تر از جوامع شهری است. پراکندگی خانوارهایی که تنها یک سال در فقر به سر می‌برند نسبت به آنها که دو سال یا بیشتر در گروه افرادی قرار می‌گیرند که درآمدی کمتر از سطح بحرانی خط فقر دارند، بیشتر است. به بیان دیگر، نمونه‌های بررسی‌شده نشان می‌دهد که فقر به صورت یک پدیده گذرا مسأله قابل توجهی است که در صورت ادامه عوامل پدیدآورنده فقر می‌تواند آن را به یک عارضه دائمی بدل سازد.

جدول ۲- خطوط فقر ماهیانه برای یک فرد بالغ (ریال)

خط فقر کل	خط فقر غیر غذایی	خط فقر غذایی	خانوارهای زیر خط فقر (درصد)	
۲۱۸۴۷۸۲	۱۵۵۷۱۷۵	۶۲۷۶۰۷	۳۱/۶۷	سال ۱۳۸۰
۲۵۴۲۶۰۹	۱۸۱۲۲۱۱	۷۳۰۳۹۸	۳۷/۳۸	سال ۱۳۸۱
۳۰۰۱۸۹۹	۲۱۳۹۵۶۴	۸۶۲۳۳۵	۳۴/۲۲	سال ۱۳۸۲
۳۵۷۴۶۳۰	۲۸۸۳۳۲۲	۶۹۱۳۰۸	۱۴/۸۸	سال ۱۳۸۰
۴۱۳۸۸۹۵	۳۳۳۸۴۶۲	۸۰۰۴۳۳	۱۶/۱۲	سال ۱۳۸۱
۴۷۸۵۹۵۶	۳۸۶۰۳۸۶	۹۲۵۵۷۰	۱۳/۵۴	سال ۱۳۸۲

مأخذ: یافته‌های به دست آمده از این پژوهش.

جدول ۳- درصد خانوارها بر اساس وضعیت فقر، در دوره ۱۳۸۰-۱۳۸۲

وضعیت فقر	کل خانوارها	خانوارهای شهری	خانوارهای روستایی
همیشه فقیر	۱۱/۷۴	۵/۴۴	۱۹/۰۲
یکسال در فقر	۱۶/۳۲	۱۲/۰۵	۲۱/۲۶
دو سال در فقر	۱۲/۱۶	۸/۹۱	۱۵/۹۱
همیشه غیر فقیر	۵۹/۷۸	۷۳/۶۰	۴۳/۸۱

مأخذ: داده‌های بررسی شده.

جداول ۴ و ۵ برخی ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی خانوارهای روستایی و شهری را با توجه به وضعیت فقرشان در دوره مورد بررسی نشان می‌دهند. با نگاهی به این جداول مشاهده می‌شود که کاهش بعد

جدول ۴- آمار توصیفی متغیرهای استفاده شده برای گروه‌های خانوارهای

روستایی در سال ۱۳۸۲

متغیر	همیشه فقیر	دوسال در فقر	یکسال در فقر	همیشه غیر فقیر
اندازه خانوار (نفر)	۵/۵۶	۵/۰۱	۴/۶۹	۴/۱۷
سن سرپرست خانوار (سال)	۴۶/۷۸	۴۷/۹۵	۴۹/۳۳	۴۹/۵۶
خانوارهای دارای سرپرست زن (درصد)	۱۱/۱۶	۱۰/۱۲	۸/۶۹	۸/۷۳
خانوارهای دارای سرپرست باسواد (درصد)	۴۱/۹۴	۵۲/۸۴	۵۵/۶۴	۶۳/۵۰

ادامه جدول ۴- آمار توصیفی متغیرهای استفاده شده برای گروه‌های خانوارهای روستایی در سال ۱۳۸۲

متغیر	همیشه فقیر	دوسال در فقر	یکسال در فقر	همیشه غیرفقیر
متوسط سن خانوار (سال)	۲۶/۹۲	۳۰/۰۲	۳۱/۵۹	۳۳/۴۹
تعداد افراد دارای درآمد	۱/۷۶	۱/۸۰	۱/۷۶	۱/۶۴
نسبت وابستگی	۰/۳۲	۰/۳۶	۰/۳۸	۰/۴۱
خانوارهای ساکن در منزل ویلایی (درصد)	۹۷/۹۷	۹۹/۰۱	۹۸/۸۹	۹۸/۷۱
خانوارهای ساکن در خانه ملکی (درصد)	۸۹/۰۵	۹۰/۶۲	۹۲/۷۹	۹۰/۶۷
متوسط تعداد اتاق	۲/۹۱	۳/۲۰	۳/۴۳	۳/۷۲
متوسط سطح زیربنای خانه	۶۵/۲۹	۷۸/۵۱	۸۱/۷۷	۹۶/۷۵
خانوارهای دارای اتومبیل شخصی (درصد)	۱/۴۵	۲/۴۷	۵/۱۷	۱۵/۳
خانوارهای دارای تلفن همراه (درصد)	۰/۰۴	۱/۲۳	۱/۲۹	۵/۱۱

مأخذ: داده‌های بررسی شده.

جدول ۵- آمار توصیفی متغیرهای استفاده شده برای گروه‌های خانوارهای شهری در سال

۱۳۸۲

متغیر	همیشه فقیر	دوسال در فقر	یکسال در فقر	همیشه غیرفقیر
اندازه خانوار (نفر)	۵/۸۴	۵/۲۵	۵/۰۴	۳/۹۴
سن سرپرست خانوار (سال)	۴۹/۴۲	۴۹/۸۳	۴۸/۲۰	۵۰/۵۸
خانوارهای دارای سرپرست زن (درصد)	۱۳/۱۲	۱۴/۷۲	۹/۸۹	۱۲/۱۱
خانوارهای دارای سرپرست باسواد (درصد)	۵۰/۶۳	۵۶/۷۱	۶۲/۲۱	۸۲/۷۱
متوسط سن خانوار (سال)	۲۸/۱۴	۳۰/۳۹	۳۰/۳۵	۳۴/۸۹
تعداد افراد دارای درآمد	۱/۳۵	۱/۴۵	۱/۴۰	۱/۱۷
نسبت وابستگی	۰/۲۲	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۲۹
خانوارهای ساکن در منزل ویلایی (درصد)	۹۵/۶۲	۹۶/۱۱	۹۰/۱۱	۷۳/۳۸
خانوارهای ساکن در خانه ملکی (درصد)	۷۴/۳۷	۷۸/۳۵	۷۸/۲۵	۷۷/۴۰
متوسط تعداد اتاق	۲/۹۸	۳/۲۴	۳/۴۹	۳/۹۵
متوسط سطح زیربنای خانه	۶۸/۴۶	۸۵/۱۱	۸۹/۲۴	۱۱۷/۵۸
خانوارهای دارای اتومبیل شخصی (درصد)	۰/۰۶	۶/۹۲	۱۵/۲	۳۷/۲
خانوارهای دارای تلفن همراه (درصد)	۰/۰۶	۰/۴	۷/۶۳	۲۵/۰۹

خانوار، مرد بودن سرپرست خانوار، باسواد بودن سرپرست خانوار، افزایش تعداد اتاق‌های منزل، افزایش سطح زیربنا، مالکیت اتومبیل شخصی و مالکیت تلفن همراه در هر دو نمونه شهری و روستایی تعداد سال‌هایی را که خانوار در فقر به سر می‌برد، کاهش می‌دهد. اما برخلاف انتظار نسبت وابستگی در

خانوارهای فقیرتر کمتر و در خانوارهای همیشه غیر فقیر از سایرین بالاتر است. به همین ترتیب، تعداد افراد دارای درآمد در خانوارهای فقیرتر بیشتر است.

به عنوان گام اول در تجزیه و تحلیل ورود به و خروج از گروه فقرا، احتمالات انتقال را بررسی کرده- ایم. احتمال انتقال در واقع، احتمال تغییر از یک وضعیت به وضعیت دیگر را نشان می‌دهد. اعداد به دست آمده و گزارش شده در جدول ۶، احتمالات تغییر در وضعیت فقیربودن یا نبودن را در طول زمان نشان می‌دهند. به طور مثال، در مناطق روستایی احتمال فقیر ماندن و یا از زمره افراد فقیر خارج شدن به ترتیب ۶۵/۷ و ۴۳/۳ درصد برای نمونه مورد بررسی است. این بدان معناست که ۶۵/۷ درصد از خانوارهای روستایی که در سال اول فقیر بوده‌اند، در سال آخر مطالعه هم در فقر به سر برده‌اند و ۳۴/۳ درصد از آنها از زمره افراد فقیر خارج شده‌اند. این ارقام برای خانوارهای شهری به ترتیب ۵۴/۵ و ۴۵/۵ درصد در نمونه مورد مطالعه به دست آمده است. با توجه به ارقام به دست آمده برای انتقال وضعیت‌های مختلف فقر در میان خانوارها روشن است که حجم انتقال در میان خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری است. نتیجه دیگری که به طور ضمنی از این ارقام به دست می‌آید، آن است که هر چند درصد افراد فقیر در خانوارهای شهری کمتر از روستایی است، اما فقر مزمن پدیده‌ای است که دامن گیر فقرای شهری شده است.

جدول ۶- احتمالات انتقال با توجه به وضعیت فقر در خانوارهای روستایی

خانوارهای شهری			خانوارهای روستایی			
کل	غیرفقیر	فقیر	کل	غیرفقیر	فقیر	
۱۰۰	۴۵/۴۷	۵۴/۵۳	۱۰۰	۳۴/۳۰	۶۵/۷۰	فقیر
۱۰۰	۹۳/۰۵	۶/۹۵	۱۰۰	۷۸/۵۰	۲۱/۵۰	غیرفقیر
۱۰۰	۸۵/۵۴	۱۴/۴۶	۱۰۰	۶۳/۴۶	۳۶/۵۴	کل

مأخذ: داده‌های مورد بررسی شده.

در این قسمت از مطالعه، مدت زمان فقیرماندن خانوارها و انتقال بین حالت‌های مختلف فقر دقیق‌تر و تحت تجزیه و تحلیل مدت فقر بررسی می‌شود. به عنوان نقطه اولیه بحث، نرخ‌های مخاطره ورود و خروج به و از فقر برای خانوارهای روستایی و شهری محاسبه و در جدول ۷ گزارش شده است. نرخ خروج از فقر نسبت افرادی است که پس از حداقل یک‌سال تجربه فقر از آن خارج شده‌اند، تقسیم بر تعداد خانوارهایی که در سال ۱۳۸۰ فقیر بوده‌اند (آنتولین و همکاران، ۱۹۹۹ و بیگستون و شیملز، ۲۰۰۴) از چنین تعریفی برای نرخ خروج بهره گرفته شده است. بدین ترتیب می‌توان یک معیار اولیه

برای احتمال خروج از فقر افرادی که در سال اول فقیر بوده‌اند، به دست آورد. در مقابل، نرخ ورود مجدد به فقر نسبت افرادی است که حداقل برای یکسال فقیر نبوده‌اند ولی پس از آن در گروه افراد فقیر قرار گرفته‌اند به افرادی که در سال ۱۳۸۰ فقیر بوده‌اند.

جدول ۷- نرخ‌های مخاطره (احتمالات شرطی) خروج از فقر و ورود مجدد به فقر

خروج از فقر	ورود مجدد به فقر	همیشه فقیر	همیشه غیر فقیر	
۱۹/۶۵	۱۷/۵۲	۱۹/۰۲	۴۳/۸۱	نمونه روستایی
۱۱/۹۴	۹/۱۲	۵/۴۴	۷۳/۵۰	نمونه شهری

مأخذ: داده‌های بررسی شده.

باز هم می‌توان مشاهده کرد که خروج از فقر در خانوارهای روستایی نسبت به خانوارهای شهری بیشتر انجام می‌شود؛ هرچند که ورود مجدد به فقر نیز در میان این خانوارها بالاتر است. اما از آنجا که در این جدول هم نشان داده شده است، افرادی که همیشه غیرفقیر بوده‌اند، در خانوارهای شهری بیشتر هستند و فقر در جامعه روستایی مسأله دامن‌گیرتری محسوب می‌شود. با این حال، به دلیل وابستگی درآمد روستاییان به شرایط مختلف غیرقابل کنترلی نظیر آب و هوا انتقال‌ها در میان گروه‌های مختلف فقر در جامعه روستایی بیشتر دیده می‌شود.

در مرحله بعد، با استفاده از مدل لاجیت و معادلات ۳ تا ۶ تأثیر ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی خانوارها را بر فقیرشدن آنها بررسی کرده‌ایم. نتایج به دست آمده از رگرسیون‌های روستایی در جدول‌های ۸ و ۹ به ترتیب برای نرخ‌های خروج و ورود به فقر نشان داده شده است.

رگرسیون روستایی در مورد نرخ مخاطره خروج از فقر نشان می‌دهد که سن سرپرست و توان دوم آن، وضعیت سواد سرپرست، بعد خانوار، متوسط سن خانوار و توان دوم آن، تعداد اتاق، سطح زیربنای خانه و مالکیت اتومبیل شخصی در سطح معناداری ۹۵ درصد و تعداد سال‌های تحصیل سرپرست خانوار در سطح معناداری ۹۰ درصد معنادار شده‌اند. متغیرهای دیگر نیز به رغم داشتن علامت مورد انتظار، از نظر آماری معنادار نبوده‌اند. همین نتایج در مورد نرخ ورود به فقر در خانوارهای روستایی به دست آمده است با این تفاوت که در این مورد تعداد اتاق‌ها معنادار نشده‌اند.

جدول ۸- نتایج برآورد مدل لاجیت در نمونه خانوارهای روستایی (خروج از فقر) با استفاده از روش *MLE*

متغیر	ضریب برآورد شده	آماره <i>t</i>	$P[Z > Z]$
ثابت	۲/۷۱۵	۷/۶۲۲	۰/۰۰۰
جنس سرپرست	-۰/۱۲۹	-۱/۱۹۶	۰/۲۳۲
سن سرپرست (سال)	-۰/۴۳۳	-۲/۴۸۹	۰/۰۱۳
توان دوم سن سرپرست (سال)	۰/۴۳۰	۲/۶۴۷	۰/۰۰۸
وضعیت سواد سرپرست	۰/۲۸۵	۳/۱۲۷	۰/۰۰۲
سواد سرپرست (سال)	۰/۲۰۰	۱/۶۵۰	۰/۰۹۹
بعد خانوار	-۰/۱۵۳	-۶/۷۳۴	۰/۰۰۰
متوسط سن خانوار (سال)	-۰/۰۳۰	-۲/۳۶۲	۰/۰۰۰
توان دوم متوسط سن خانوار (سال)	۰/۰۰۳	۲/۰۰۷	۰/۰۴۵
نسبت وابستگی	-۰/۱۹۲	-۱/۵۰۳	۰/۱۳۳
نوع واحد مسکونی	۰/۱۱۴	۰/۳۱۲	۰/۷۵۵
نحوه تصرف واحد مسکونی	۰/۱۵۵	۱/۴۴۱	۰/۱۴۹
تعداد اتاق	۰/۱۵۳	۵/۷۵۶	۰/۰۰۰
سطح زیربنای خانه (متر مربع)	۰/۱۳۰	۱/۸۶۲	۰/۰۶۳
مالکیت اتومبیل شخصی	۰/۴۹۲	۳/۰۴۹	۰/۰۰۲
مالکیت تلفن همراه	۰/۱۴۶	۰/۶۰۱	۰/۵۴۸
<p><i>McFadden = 0.2105 . Ben./Lerman = 0.6991</i> <i>Cramer = 0.1983 . Rsqrd ML = 0.1576</i></p>			

مأخذ: یافته‌های به دست آمده از این پژوهش.

جدول ۹- نتایج برآورد مدل لاجیت در نمونه خانوارهای روستایی (ورود مجدد به فقر) با استفاده از روش *MLE*

متغیر	ضریب برآورد شده	آماره <i>t</i>	$P[Z > Z]$
ثابت	۰/۳۰۷	۰/۹۲۳	۰/۳۵۶
جنس سرپرست	۰/۱۴۷	۰/۱۶۰	۰/۸۷۳

ادامه جدول ۹- نتایج برآورد مدل لاجیت در نمونه خانوارهای روستایی (ورود مجدد به فقر) با استفاده از روش *MLE*

متغیر	ضریب برآورد شده	آماره <i>t</i>	$P[Z > Z]$
سن سرپرست (سال)	۰/۲۴۶	۱/۹۲۲	۰/۰۵۵
توان دوم سن سرپرست (سال)	۰/۰۰۱	۲/۰۵۴	۰/۰۴۰
وضعیت سواد سرپرست	-۰/۲۴۹	-۳/۴۵۴	۰/۰۰۰
سواد سرپرست (سال)	-۰/۱۶۷	-۱/۶۴۱	۰/۱۰۰
بعد خانوار	۰/۱۳۳	۰/۸۶۹	۰/۰۰۰
متوسط سن خانوار (سال)	۰/۴۵۸	۴/۵۲۳	۰/۰۰۰
توان دوم متوسط سن خانوار (سال)	۰/۰۰۱	۴/۸۷۶	۰/۰۰۰
نسبت وابستگی	۰/۱۲۱	۱/۲۶۶	۰/۲۰۵
نوع واحد مسکونی	-۰/۰۴۹	-۰/۲۴۰	۰/۸۱۱
نحوه تصرف واحد مسکونی	-۰/۳۵۸	-۰/۴۵۲	۰/۶۵۱
تعداد اتاق	-۰/۰۰۶	-۰/۳۹۵	۰/۶۹۳
سطح زیربنای خانه (متر مربع)	-۰/۰۲۱	-۵/۱۷۴	۰/۰۰۰
مالکیت اتومبیل شخصی	-۰/۶۶۵	-۶/۸۵۵	۰/۰۰۰
مالکیت تلفن همراه	-۰/۲۰۳	-۱/۳۶۰	۰/۱۷۴
<i>McFadden = 0.1908</i> , <i>Ben./Lerman = 0.7624</i> <i>Cramer = 0.0643</i> , <i>Rsqr ML = 0.1654</i>			

مأخذ: یافته‌های به دست آمده از این پژوهش

به همین ترتیب، مدل لاجیت در مورد خانوارهای شهری نیز انجام شد و نتایج آن در جدول‌های ۱۰ و ۱۱ آورده شده است. در رگرسیون خروج از فقر خانوارهای شهری، علاوه بر متغیر جنس سرپرست، سن سرپرست خانوار و توان دوم آن و همچنین، سال‌های تحصیل سرپرست، نوع واحد مسکونی، نحوه تصرف واحد مسکونی، تعداد اتاق و مالکیت تلفن همراه از نظر آماری معنادار نبوده، هرچند که علامت آنها مورد انتظار است. متغیرهای دیگر در سطح معناداری ۹۵ درصد معنا دارند.

جدول ۱۰- نتایج برآورد مدل لاجیت در نمونه خانوارهای شهری (خروج از فقر) با استفاده

از روش *MLE*

متغیر	ضریب برآورد شده	آماره <i>t</i>	$P[Z > Z]$
ثابت	۱/۶۴۹	۳/۲۴۵	۰/۰۰۱
جنس سرپرست	-۰/۱۹۸	۱/۵۲۵	۰/۱۲۷
سن سرپرست (سال)	-۰/۰۰۱	-۰/۰۵۰	۰/۹۵۹
توان دوم سن سرپرست (سال)	۰/۰۰۱	۰/۵۰۰	۰/۶۱۷
وضعیت سواد سرپرست	۰/۳۳۴	۲/۸۴۸	۰/۰۰۴
سواد سرپرست (سال)	۰/۰۰۷	۰/۴۳۵	۰/۶۶۳
بعد خانوار	-۰/۰۷۴	-۲/۸۹۷	۰/۰۰۴
متوسط سن خانوار (سال)	-۰/۰۵۸	-۳/۴۴۹	۰/۰۰۰
توان دوم متوسط سن خانوار (سال)	۰/۰۰۴	۲/۸۷۳	۰/۰۰۴
نسبت وابستگی	-۰/۴۶۷	-۲/۰۸۹	۰/۰۳۶
نوع واحد مسکونی	۰/۲۴۳	۱/۳۱۵	۰/۱۸۸
نحوه تصرف واحد مسکونی	۰/۰۵۷	۰/۵۴۰	۰/۵۸۸
تعداد اتاق	۰/۰۳۵	۰/۹۷۱	۰/۳۳۲
سطح زیربنای خانه (متر مربع)	۰/۰۰۵	۵/۱۲۸	۰/۰۰۰
مالکیت اتومبیل شخصی	۰/۶۷۱	۴/۰۹۶	۰/۰۰۰
مالکیت تلفن همراه	۰/۰۵۳	۰/۳۲۰	۰/۷۴۵

McFadden = 0.2765* . *Ben./Lerman = 0.6288
Cramer = 0.1512* ، *Rsqr ML = 0.1161

مأخذ: یافته‌های به دست آمده از این پژوهش

می‌توان مشاهده کرد که در رگرسیون ورود مجدد به فقر خانوارهای شهری، سن سرپرست خانوار و توان دوم آن، تعداد سال‌های تحصیل سرپرست، بعد خانوار، نوع واحد مسکونی، تعداد اتاق، سطح زیربنا، مالکیت اتومبیل و تلفن همراه و همچنین، نسبت وابستگی از نظر آماری در سطح احتمال ۹۵ درصد معنادار هستند. همچنین، وضعیت سواد سرپرست هم می‌تواند تقریباً در سطح ۹۰ درصد معنادار تلقی شود.

جدول ۱۱- نتایج برآورد مدل لاجیت در نمونه خانوارهای شهری (ورود مجدد به فقر) با استفاده از روش *MLE*

متغیر	ضریب برآورد شده	آماره <i>t</i>	$P[Z > Z]$
ثابت	-۰/۵۲۳	-۱/۵۱۳	۰/۱۳۰
جنس سرپرست	۰/۰۵۴	۰/۵۵۸	۰/۵۷۷
سن سرپرست (سال)	۰/۱۴۳	۱/۶۳۷	۰/۰۰۵
توان دوم سن سرپرست (سال)	۰/۰۰۳	۲/۲۵۳	۰/۰۲۴
وضعیت سواد سرپرست	-۰/۱۴۳	-۱/۶۳۷	۰/۱۰۲
سواد سرپرست (سال)	-۰/۰۵۶	-۴/۷۱۵	۰/۰۰۰
بعد خانوار	-۰/۲۰۵	-۱۰/۷۵۹	۰/۰۰۰
متوسط سن خانوار (سال)	۰/۰۰۷	۰/۶۶۲	۰/۵۰۸
توان دوم متوسط سن خانوار (سال)	۰/۰۰۱	۰/۹۹۰	۰/۳۲۲
نسبت وابستگی	۰/۳۸۱	۲/۴۲۹	۰/۰۱۵
نوع واحد مسکونی	-۰/۴۳۳	-۵/۰۲۸	۰/۰۰۰
نحوه تصرف واحد مسکونی	-۰/۰۹۵	-۱/۳۰۸	۰/۱۹۱
تعداد اتاق	-۰/۰۰۳	-۱/۶۷۹	۰/۰۹۳
سطح زیربنای خانه (متر مربع)	-۰/۰۰۴	-۷/۷۲۰	۰/۰۰۰
مالکیت اتومبیل شخصی	-۰/۴۰۲	-۵/۰۲۰	۰/۰۰۰
مالکیت تلفن همراه	-۰/۳۸۴	-۳/۳۹۳	۰/۰۰۰
<p><i>McFadden</i> = 0.1731 . <i>Ben./Lerman</i> = 0.8995 <i>Cramer</i> = 0.0885 . <i>Rsqr ML</i> = 0.1896</p>			

مأخذ: یافته‌های به دست آمده از این پژوهش

اثر نهایی متغیرهای توضیحی بر احتمال فقیری بودن خانوار با استفاده از روابط ۷ و ۸ محاسبه و نتایج در جدول‌های ۱۲ و ۱۳ آمده است. برای محاسبه اثر نهایی متغیرهای توضیحی مجازی، احتمال فقیری بودن خانوار در حالتی که هر یک از این متغیرها مقدار صفر اختیار می‌کردند از حالتی که مقدار یک به خود می‌گرفتند به شرط ثابت بودن متغیرهای دیگر کسر شده و به عنوان اثر نهایی آن متغیر در نظر گرفته می‌شود. با تغییر جنسیت سرپرست خانوار از مرد به زن احتمال خروج از فقر (ورود به فقر) کاهش (افزایش) می‌یابد. اما تأثیر جنسیت سرپرست خانوار در هیچ یک از نمونه‌های مورد بررسی معنادار نشده است. همچنین، با افزایش سن سرپرست خانوار، احتمال خروج از فقر خانوارهای روستایی

به اندازه ۱/۲ درصد کاهش می‌یابد و احتمال ورود به فقر برای خانوارهای روستایی و شهری به ترتیب ۰/۵ و ۰/۲ درصد افزایش می‌یابد. این متغیر بر احتمال خروج از فقر خانوارهای شهری تأثیر معناداری ندارد. متغیر وضعیت سواد سرپرست نیز در تمام موارد بجز ورود به فقر خانوارهای شهری، معنادار شده است و با سواد بودن سرپرست خانوار احتمال خروج از فقر را در جوامع روستایی و شهری به ترتیب ۷/۶ و ۱۱ درصد افزایش و احتمال ورود به فقر را برای خانوارهای روستایی ۵/۴ درصد کاهش می‌دهد. گفتنی است که تعداد سال‌های تحصیل نیز اثر مشابهی بر احتمال تغییر وضعیت فقر خانوار داشته، اما تنها در خانوارهای روستایی اثر معناداری دارد. افزایش بعد خانوار و متوسط سن اعضای خانوار احتمال خروج از فقر را کاهش و احتمال ورود خانوار به فقر را افزایش می‌دهد.

جدول - ۱۲. اثر نهایی متغیرهای توضیحی بر احتمال خروج از فقر فقرای روستایی و

شهری

خانوارهای شهری		خانوارهای روستایی		متغیر
$P[Z > Z]$	ضریب برآورد شده	$P[Z > Z]$	ضریب برآورد شده	
۰/۰۰۱	۰/۵۶۱	۰/۰۰۰	۰/۷۲۴	ثابت
۰/۱۴۲	-۰/۰۶۹	۰/۲۰۸	-۰/۰۳۳	جنس سرپرست
۰/۹۵۹	-۰/۰۰۳	۰/۰۱۳	-۰/۰۱۲	سن سرپرست (سال)
۰/۶۱۷	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	توان دوم سن سرپرست (سال)
۰/۰۰۴	۰/۱۱۲	۰/۰۰۲	۰/۰۷۶	وضعیت سواد سرپرست
۰/۶۶۴	۰/۰۰۲	۰/۰۹۹	۰/۰۰۵	سواد سرپرست (سال)
۰/۰۰۴	-۰/۰۲۵	۰/۰۰۰	-۰/۰۴۱	بعد خانوار
۰/۰۰۰	-۰/۰۲۰	۰/۰۱۸	-۰/۰۰۸	متوسط سن خانوار (سال)
۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۴۴	۰/۰۰۱	توان دوم متوسط سن خانوار (سال)
۰/۰۳۶	-۰/۱۵۸	۰/۱۳۳	-۰/۰۵۱	نسبت وابستگی
۰/۲۰۸	۰/۰۸۷	۰/۷۱۴	۰/۰۲۹	نوع واحد مسکونی
۰/۵۸۵	۰/۰۱۹	۰/۱۲۶	۰/۰۳۹	نحوه تصرف واحد مسکونی
۰/۳۳۱	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۴۱	تعداد اتاق
۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۶۳	۰/۰۰۱	سطح زیربنای خانه (متر مربع)
۰/۰۰۰	۰/۲۵۴	۰/۰۰۷	۰/۱۵۶	مالکیت اتومبیل شخصی
۰/۷۴۵	۰/۰۱۸	۰/۵۱۹	۰/۰۳۷	مالکیت تلفن همراه

مأخذ: یافته‌های به دست آمده از این پژوهش.

جدول ۱۳- اثر نهایی متغیرهای توضیحی بر احتمال ورود به فقر فقرای روستایی و شهری

خانوارهای شهری		خانوارهای روستایی		متغیر
$P[Z > Z]$	ضریب برآورد شده	$P[Z > Z]$	ضریب برآورد شده	
۰/۱۳۳	-۰/۰۳۱	۰/۳۵۶	۰/۰۶۵	ثابت
۰/۵۹۳	۰/۰۰۳	۰/۸۷۴	۰/۰۰۳	جنس سرپرست
۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۵۴	۰/۰۰۵	سن سرپرست (سال)
۰/۰۲۵	۰/۰۰۰۲	۰/۰۳۹	۰/۰۰۰۱	توان دوم سن سرپرست (سال)
۰/۱۳۵	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۱	-۰/۰۵۴	وضعیت سواد سرپرست
۰/۰۰۰	-۰/۰۰۳	۰/۱۰۱	-۰/۰۰۳	سواد سرپرست (سال)
۰/۰۰۰	۰/۱۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۲۸	بعد خانوار
۰/۵۰۷	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	متوسط سن خانوار (سال)
۰/۳۲۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	توان دوم متوسط سن خانوار (سال)
۰/۰۱۵	۰/۰۲۲	۰/۲۰۵	۰/۰۲۵	نسبت وابستگی
۰/۰۰۰	-۰/۰۲۱	۰/۸۱۶	-۰/۰۱۱	نوع واحد مسکونی
۰/۲۱۷	-۰/۰۰۵	۰/۶۵۶	-۰/۰۰۷	نحوه تصرف واحد مسکونی
۰/۰۹۳	-۰/۰۰۲	۰/۶۹۳	-۰/۰۰۱	تعداد اتاق
۰/۰۰۰	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۴	سطح زیربنای خانه (متر مربع)
۰/۰۰۰	-۰/۰۲۱	۰/۰۰۰	-۰/۱۰۴	مالکیت اتومبیل شخصی
۰/۰۰۰	-۰/۰۱۸	۰/۱۲۴	-۰/۰۳۸	مالکیت تلفن همراه

مأخذ: یافته‌های به دست آمده از این پژوهش.

نسبت وابستگی تنها در خانوارهای شهری تأثیر معناداری داشته و افزایش آن احتمال خروج از فقر را به اندازه ۱/۵ درصد کاهش و احتمال ورود به فقر را به اندازه ۲ درصد افزایش می‌دهد. در نگاه اول این نتیجه موردانتظار نیست زیرا به نظر می‌رسد که با افزایش نسبت افراد دارای درآمد به تعداد اعضای خانوار، انتظار بر آن است که احتمال فقر خانوار کاهش یابد. این در حالی است که نتایج به دست آمده عکس این حالت را نشان می‌دهد. توجیهی برای نتیجه به دست آمده می‌تواند به این صورت باشد که خانوارهای فقیرتر برای کسب درآمد تلاش بیشتری دارند، لذا احتمال شاغل شدن تعداد بیشتری از اعضای آنها وجود دارد. بنابراین، احتمال فقر خانوارهایی که تعداد افراد دارای درآمد در آنها بیشتر و در نتیجه، نسبت وابستگی برای آنها بالاتر است، بیشتر خواهد بود.

نوع واحد مسکونی به لحاظ آپارتمانی و یا ویلایی بودن منزل به طور بالقوه می‌تواند از عوامل مؤثر بر فقر خانوار باشد، اما از آنجا که در مناطق روستایی بیشتر خانه‌ها ویلایی است، نمی‌توان این اثر را در خانوارهای روستایی معنادار دید. حال آنکه احتمال خروج از فقر ساکنان خانه‌های ویلایی در جوامع شهری در سطح احتمال ۸۰ درصد افزایش و احتمال ورود به فقر شهرنشینان ساکن در منازل ویلایی در سطح احتمال ۹۹ درصد به اندازه ۰/۵ درصد کاهش می‌یابد.

افزایش سطح زیربنای خانه و تعداد اتاق‌ها احتمال خروج از فقر را افزایش و احتمال ورود مجدد به آن را کاهش می‌دهد. در این میان شاید متغیری که بیشترین تأثیر را بر احتمال فقیربودن یا فقیرنبودن خانوارها دارد و یا به بیان دیگر، از تعیین‌کننده‌های اصلی فقر است، مالکیت اتومبیل شخصی می‌باشد. نتایج مدل پروبیت برای رگرسیون خروج از فقر نشان می‌دهد که خانوارهای روستایی مالک ماشین به احتمال ۱۵/۶ و خانوارهای شهری مالک اتومبیل با احتمال ۲۵/۴ قادر خواهند بود از گروه افراد فقیر خارج شوند. حال آنکه احتمال ورود مجدد به فقر خانوارهای روستایی و شهری دارای اتومبیل شخصی به ترتیب ۱۰ و ۲ درصد کاهش می‌یابد. در نهایت، در مورد مالکیت تلفن همراه تنها می‌توان گفت که احتمال ورود مجدد به فقر خانوارهای شهری صاحب تلفن همراه تقریباً ۲ درصد کاهش می‌یابد.

۴. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

در بررسی سیاست‌های مرتبط با فقر یکی از مسایل مهم این است که بایستی میان فقر مزمن و گذرا تفاوت قایل شد. اگر مسأله پیش روی جامعه فقر مزمن باشد، برای حل آن، مستلزم سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و تغییر زیرساخت‌های کشور است تا با سیاست‌گذاری بتوان مجموعه دارایی افراد جامعه را از طریق سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های انسانی، خدمات بهداشتی، تأمین دارایی‌های مالی، فیزیکی و طبیعی، توزیع بار دیگر دارایی‌هایی از قبیل زمین و منابع طبیعی بالا برد. همچنین، مجموعه سیاست‌های انتخابی می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در زیرساخت‌های فیزیکی، بازارها و مؤسسات و همچنین، از طریق تأمین اجتماعی در بلندمدت موجبات توزیع بار دیگر منابع را در جامعه فراهم کرد. از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی نظیر زیرساخت‌های فیزیکی و مالی، دولت قادر خواهد بود به کاهش هزینه‌های مبادله خانوارها کمک نماید. اما معمولاً مشکلی که وجود دارد این است که فقرا به دلیل عدم توانایی مالی و موقعیتی که از بابت اقتصادی پیدا می‌کنند، معمولاً در مناطقی زندگی می‌کنند که کمتر در دسترس است و از نظر موقعیت‌های اجتماعی سخت‌تر می‌توان به آنها کمک کرد. بنابراین اصولاً کمک به حذف فقر مزمن هزینه زیادی را می‌طلبد.

اما در صورتی که پدیده غالب در جامعه، فقر گذرا و موقت باشد، تنها کمک‌های موقتی برای حمایت خانوارها آن هم در شرایطی که در حالت فقر هستند، می‌تواند در حل مشکل مؤثر باشد. در این موارد، برنامه‌های بیمه، تأمین اعتبارات کوتاه‌مدت و شبکه‌های ایمنی که قادر به حمایت افراد آسیب‌پذیر در شرایط بحران باشند، به کمرنگ کردن فقر و نتایج حاصل از آن کمک بسیاری خواهد کرد.

آنچه در برنامه فقرزدایی دولت به عنوان راهکارهای مبارزه با فقر اشاره شده است، شامل مواردی است که هم به دنبال حل مسأله فقر مزمن بوده و هم در حل فقر گذرا می‌تواند مؤثر باشد. حمایت‌هایی که در این برنامه وظیفه دولت شده است، عبارتند از ایجاد زمینه‌های اشتغال، تعمیم بیمه‌های اجتماعی، فراهم کردن تسهیلات لازم برای نگهداری افرادی که نیاز به سرپرستی و نگهداری دارند، فراهم کردن تسهیلات لازم برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای عمومی، ایجاد تسهیلات برای تأمین مسکن به صورت دائم یا موقت، اعطای سهمیه ارزاق و کالا، پرداخت مستمری و پرداخت غیرمستمری. با نگاهی به این موارد کاملاً روشن است که برخی از این موارد در حل مشکل فقر مزمن و بقیه در حل فقر گذرا مؤثر هستند. از بابت سیاستگذاری می‌توان بیان کرد که به نظر می‌رسد طراحی برنامه مبارزه با فقر بدون بررسی‌های اولیه و تدابیر لازم انجام شده است. افزون بر این، همان برنامه تدوین شده نیز در اجرا نتوانسته تمام اهداف را تأمین نماید.

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که پراکندگی فقر در جوامع روستایی و شهری یکسان نیست. همچنین، ماهیت این پدیده نیز برای خانوارهای این مناطق مشابه نمی‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که فقر در جوامع روستایی گسترده‌تر بوده ولی در مورد درصد کمتری از افراد روستایی پدیده فقر مزمن وجود دارد، لذا بهتر خواهد بود اگر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی در نقاط خاصی انجام شود که می‌توان با مطالعه بیشتر مناطقی را که نیاز به چنین سرمایه‌گذاری‌هایی دارند، مشخص کرد. از سوی دیگر، همان‌طور که از نتایج مطالعه آشکار می‌شود، وابستگی منابع درآمدی روستاییان به منابع غیرقابل کنترلی چون آب و هوا و غیره آنها را در ریسک فقر موقت قرار داده است، بدین روی، حمایت‌های کوتاه‌مدت و تأمین اعتبارات برای حمایت خانوارهای آسیب‌دیده با هزینه کمتری قادر به از بین بردن فقر خواهد شد.

این در حالی است که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در مناطق شهری پدیده غالب فقر مزمن است، هر چند که در مقایسه با خانوارهای روستایی، درصد کمتری از افراد با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند. بنابراین، سرمایه‌گذاری در منابع ایجاد اشتغال، تسهیلات تهیه مسکن و جز اینها می‌تواند در کاهش فقر شهری کمک شایانی داشته باشد. نکته قابل توجه این است که نمونه مورد مطالعه شامل

خانوارهایی بوده که در سه سال پیاپی در یک محل ساکن بوده و توسط آمارگیران مرکز آمار در این سه سال مصاحبه شده‌اند. افرادی که در سال‌های اول یا دوم مصاحبه شده‌اند، اما به دلیل جابجایی در سال‌های بعد در دسترس نبوده‌اند، بیشتر افرادی هستند که از نظر مسکن با مشکل روبرو بوده و مالکیت منزلی را نداشته‌اند که آمار مربوط به آنان در دسترس نیست. لذا بیشتر افراد نمونه مورد مطالعه افرادی بودند که مالک مسکن هستند. از این نظر نمی‌توان به نتایج مطالعه که حاکی از آن است که مسکن عامل مؤثری در خروج از و یا ورود به فقر نیست، اطمینان داشت.

مسأله سواد سرپرست به ویژه در مناطق روستایی از تعیین‌کننده‌های اصلی انتقال بین وضعیت فقر خانوارها محسوب می‌شود. بنابراین، سرمایه‌گذاری برای تأمین تسهیلات لازم برای تأمین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کوتاه‌مدت و تحصیل کودکان در بلندمدت به طور بالقوه می‌تواند در کاهش فقر مؤثر باشد.

در نهایت، می‌توان بیان کرد که طرح مبارزه با فقر دولت در طول سال‌های اولیه این برنامه در تغییر وضعیت خانوارها از بابت فقر کمک قابل توجهی نکرده و خروج از فقر برای بسیاری از افراد فقیر جامعه اتفاق نیفتاده است. حال آنکه برای اجرای برنامه نیز هزینه‌های گزافی را تحمل کرده است. بنابراین، شاید نگاهی بهتر، دقیق‌تر و سازمان یافته‌تر به شرایط جامعه و فقر و ماهیت آن در نقاط مختلف کشور بتواند به طراحی برنامه مؤثرتری برای کاهش فقر منجر شود. به ویژه آنکه افرادی که با مشکل اساسی از بابت فقر روبرو هستند، تا حد زیادی توسط ارگان‌هایی نظیر کمیته امداد امام خمینی، سازمان بهزیستی کشور، آموزش و پرورش و سازمان زندانها قابل شناسایی بوده و هدفمندسازی برنامه‌های مبارزه با فقر به راحتی قابل اجرا خواهد بود. بدین ترتیب، هزینه‌های اجرایی مبارزه با فقر کاهش یافته، از سوی دیگر، چون برنامه به گونه‌ای تغییر خواهد کرد که مستقیماً در جهت حاد مسأله ایجادکننده فقر پیش می‌رود، نتایج قابل قبول بیشتری به دست خواهد داد و نتایج به دست آمده از آن در کاهش فقر چشمگیرتر خواهد شد.

منابع

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۹). برنامه مبارزه با فقر و افزایش درآمد خانوارهای کم درآمد (فقر نسبی) به انضمام متن مصوبه.
- پژویان، جمشید. (۱۳۷۵). فقر، خط فقر و کاهش فقر، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مساله فقر و فقرزدایی، سازمان برنامه و بودجه.
- حکمتی فرید، ص. (۱۳۷۹). برآورد خط فقر در مناطق شهری استان تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه تهران.
- خالدی، ک. و ز. پرمه. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۷۵-۱۳۸۲). اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۹.
- خالدی، ک. (۱۳۷۹). بررسی اقتصادی فقر روستایی و عوامل مؤثر بر آن در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- خداداد کاشی، ف. و همکاران. (۱۳۸۱). اندازه‌گیری شاخصهای فقر در ایران: کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر و شاخص فقر. پژوهشکده آمار، تهران.
- دینی ترکمانی، علی. (۱۳۷۵). بررسی وضعیت فقر غذایی در ایران: تحلیل و بررسی اقتصادی فقر. تهران.
- شمس‌الدین، م.، م. اقتصادیان و س.م. حسینی نژاد. (۱۳۸۳). بررسی عملکرد برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه در کاهش فقر مناطق شهری و روستایی کشور. موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- صمدی، س. (۱۳۷۸). کاهش فقر: کارایی و برابری در ایران. پایان نامه دوره دکتری دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران.
- عرب مازار، ع. و م. حسینی نژاد. (۱۳۸۳). برآورد میزان فقر و شدت آن در گروههای مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۵.
- عظیمی، حسین. (۱۳۷۱). مدارهای توسعه نیافتگی در ایران، نشر نی، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۵). گزارش طرح فقر زدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران به انضمام لایحه پیشنهادی.

Abuzar Asra and Vivian Santos-Francisco (2001). "Poverty Line: Eight Countries. Experiences and the Issue of Specificity and Consistency".

- delivered at the Asia and Pacific Forum on Poverty: Reforming Policies and Institutions for Poverty Reduction, to be held at the Asian Development Bank. Manila.
- Ahmed Faizuddin (2001). "Practices of Proverty Measurement and Poverty Profile of Bangladesh". Asian Development Bank .ERD Working Paper No. 54.
- Anand, S. and Harris, C. (1994). "Issues in the measurement of undernutrition. In S. Osmani". (ed), Nutrition and poverty. Oxford University press.
- Antolin, P., Thai-Thanh Dang, and H. Axley. (1999). 'Poverty Dynamics in Four OECD Countries'. Economics Department Working Papers No 212. ECO/WKP (99)4.Paris: OECD.
- Bane. M. J., and D. T. Ellwood. (1986). 'Slipping into and out of Poverty. The Dynamics of Spells'. Journal of Human Resources, 21:PP1-23.
- Bigsten A. and A. Shimeles. (2004). "Dynamics of poverty in Ethiopia". United Nations University. World Institute for Development Economics Research. Research paper No. 2004/39.
- Bigsten, A., Kebede, B., Shimele, A. and Tadesse, M. (2003). Growth and Poverty Reduction in Ethiopia: Evidence from Household Panel Surveys, World Development, 31(1),PP 87-106.
- Burgess S. M. and C. Propper. (1998). An Economic Model of Household Income Dynamics. with an Application to Poverty Dynamics among American Women. CASE paper Centre for Analysis of Social Exclusion, CASE/9.
- Chirwa E. W. (2005). "Microeconomic policies and poverty reduction in Malawi: Can we infer from panel data". Global Development Network(GDN), research report.
- Chirwa. E. W. and Mlachila. M. (2004). Financial Reforms and Interest Rate Spreads in the Commercial Banking System in Malawi. IMF Staff Papers, 51 (1),PP PP96-122.
- Dercon, S., and P. Krishnan. (2000). 'Vulnerability, Seasonality, and Poverty in Ethiopia'. Journal of Development Studies, 36 (6): 25-53.

- Dercon, S. and Krishnan, P. (1998). "Changes in poverty in rural Ethiopia 1989-1995: Measurement, robustness tests and decomposition". Working Paper Series. 98:7, Centre for the Study of African Economies (CSAE), Oxford University.
- Duclos, J.Y., A. Araar. (2005). "poverty and equity: measurement, policy and estimation with DAD". De'partment d'economique, Universite' Laval, Quebec Canada.
- Emwanu, T., J. Kanyerezi Bwoogi and J. Muwonge. (1995). "Data Collection Problems in Measuring Poverty Levels". Statistics Department, Ministry of Finance and Planning, Uganda.
- Ferreira. F. H. G. and Leite. P. G. (2003). Policy Options for Meeting the Millennium Development Goals in Brazil: Can Micro-Simulation Help?
- Greene, W., (2000). "Econometrics Analysis", 4th ed., prentice Hall, Englewood Cliffs.
- Greer, J. and E. Thorbecke. (1986). "A methodology for measuring food poverty applied to Kenya". Journal of Development Economics. vol. 24: 59-74.
- Hoekman, B., C. Michalopoulos, M. Schiff and D. Tarr (2001). Trade Policy and Poverty Alleviation. World Bank Working Paper No. 2733. Washington DC: World Bank.
- Hulme, D., and A. Shepherd (2003). 'Conceptualizing Chronic Poverty'. World Development, 31. (3):PP 403-24.
- McKay, A., and D. Lawson. (2003). 'Assessing the Extent and Nature of Chronic Poverty in Low-Income Countries: Issues and Evidence'. World Development. 31 (3):PP 425-39.
- Okurut F. N., Odwee J.J.A.O. and Adebua A. (2002). "Determinants of regional poverty in Uganda". African Economic Research Consortium (AERC) Research Paper 122.
- Pajooyan, J. (1994). "Establishing the poverty line". Iran Economic Review. No. 1.
- Ravallion. M. and Datt. G. (2002). Why Has Economic Growth Been More Pro- Poor in Some States of India Than Others? Journal of Development Economics. 68(2),PP 381-400.

- Stevens, A. H. (1995). 'Climbing Out of Poverty, falling back in'. NBER Working Paper 5390. Cambridge, MA: NBER.
- World Bank. (2001). World Development Report 2000/2001: Attacking Poverty, New York: Oxford University Press.
- Yaqub, S. (2003). 'Chronic. Poverty. Scrutinizing Patterns. Correlates and Explorations'. CPRC Working Paper 21. Manchester: University of Manchester.